

مهار نقدینگی

یکی دیگر از ابعاد نظارتی بانک‌های مرکزی

منبع: مجله: The Banker

مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

اقتصاد جهانی را به دنبال داشته است. پیشرفت‌های تکنولوژیک و علمی نیز عامل کلیدی و تاثیرگذاری در بروز تحول در بازارهای مالی جهانی به حساب می‌آیند. هم‌اکنون فیبرهای نوری سرتاسر جهان را در نور دیده‌اند و انتقال اطلاعات را سرعت شگفت‌آوری بخشیده‌اند. قدرت و سرعت کامپیوترها و فرآورده‌های تکنولوژیکی وابسته به آن روزبه‌روز در حال افزایش و ترقی است، به‌نحوی که پیچیده‌ترین محاسبات و پرتعدادترین معاملات مالی، در چند ثانیه انجام می‌پذیرند. در نتیجه، انباشت سرمایه از یک سو، و پیشرفت‌های تکنولوژیکی از سوی دیگر، انفجاری مهیب را در عرصه توسعه محصولات مالی باعث شده‌اند. بدیهی است که کنترل و اداره سیستم‌های جدیدی که از تجمع این محصولات جدید به‌وجود می‌آیند، نیازمند مهارت‌ها و دانش خاص و مدیرانی نوین می‌باشد. مدیران مالی امروز، بایستی به جدیدترین آگاهی‌ها و اطلاعات مجهز باشند و با پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها آشنا باشند. بانکداران مرکزی امروز دنیا نیز از این قاعده مستثنا نیستند و بایستی از مهارت‌ها و تجربیات لازم برای روبروشدن با نوسانات و تغییرات ناخواسته، که طبیعت اقتصاد جهان کنونی است، برخوردار باشند.

مدیران پول و سرمایه، از مزایای مطلوب و کم‌نظیری در روزگار کنونی سود می‌برند، از جمله پایین‌بودن نرخ بهره در جهان و وجود سرمایه‌های عظیم برای اعطای تسهیلات و اعتبارات. با اینهمه، ویژگی‌های دیگری نیز در بازارهای مالی وجود دارد که کار بانکداران مرکزی و مدیران مالی را با دشواری‌های خاصی روبرو می‌سازد: امروزه بانک‌ها برای وام‌دادن، توجه چندانی به سرمایه‌های موجود و ذخایر پولی خود نمی‌کنند و آنچنان که باید و شاید، از سوی اشخاص ثالث، مورد تمیزی و بازخواست قرار

بازارهای مالی، همیشه میل به گسترش و متورم‌شدن دارند و اشتباهی سیری‌ناپذیری برای افزایش نقدینگی از خود بروز می‌دهند و این، وظیفه بانک‌های مرکزی است که بازارهای مالی را از تورم بیش‌ازحد، بازدارند و شرایط حاکم بر اقتصاد را آرام سازند. اما آیا بانک مرکزی می‌تواند بانک‌هایی را که بیش از حد مجاز و معمول، اقدام به اعطای اعتبارات و تسهیلات می‌کنند، تنبیه و مجازات کند؟ و آیا از ابزارهای کافی و توانمند برای این امر، برخوردار است؟

بلی، پاسخ این پرسش‌ها مثبت است، اما باید توجه داشت که طی پنج سال گذشته، بازارهای مالی و اعتباری جهان، به‌شدت دستخوش تغییر و تحول شده‌اند و این دگرگونی‌های شگرف نیز معلول علل مختلف و متفاوتی بوده است. یکی از مهمترین فاکتورها در بروز این تغییرات، عوض‌شدن الگوهای حاکم بر مکانیزم کنترل پول بوده است. در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، دلار، سلطه‌ای بلامنازع و بی‌رقیب بر بازارهای مالی جهان داشت و ارزش برتر جهان شناخته می‌شد، اما امروز شاهد رشد و ترقی بسیاری از اقتصادهای دنیا و به‌تبع آن، قدرتمندتر شدن سایر ارزها در برابر دلار هستیم. به همین دلیل است که دلار آمریکا که روزگاری، نزدیک به ۱۰۰ درصد ذخایر ارزی جهان را تشکیل می‌داد، اکنون به سهمی ۲۴ درصدی بسنده کرده است!

دومین فاکتور اثرگذار در این تحول، به افزایش کسری تراز تجاری اقتصادهای صنعتی قدیم و تضعیف توان صادراتی آنها مربوط می‌شود. در سال‌های اخیر، شاهد افزایش چشمگیر تراز تجاری کشورهای صنعتی جدید، به‌ویژه در آسیا بوده‌ایم که این امر، پیامدهایی چون انباشته‌شدن سرمایه‌های عظیم در این کشورها و افزایش نقش آفرینی و تعیین‌کنندگی آنها در

آیا بانک مرکزی می‌تواند بانک‌هایی را که بیش از حد مجاز و معمول، اقدام به اعطای اعتبارات و تسهیلات می‌کنند، تنبیه و مجازات کند؟ و آیا از ابزارهای کافی برخوردار است؟

دلار آمریکا که روزگاری نزدیک به ۱۰۰ درصد ذخایر ارزی جهان را تشکیل می‌داد، اکنون به سهمی ۲۴ درصدی بسنده کرده است!

نمی‌گیرند و در صورت بروز بحران‌های مالی، گامی در جهت حمایت از وام‌گیرندگان بر نمی‌دارند و این مساله، چندان مطلوب و پذیرفتنی به نظر نمی‌رسد.

سراشیبی خطرناک

ادامه یافتن چنین الگویی، می‌تواند تاثیرات منفی قابل ملاحظه‌ای بر بازارهای مالی داشته باشد. در این میان، نقش بانک‌های مرکزی، بسیار مهم و کلیدی است.

بانک‌های مرکزی، تنها نهادهایی هستند که قادرند ضمن تحمیل نظارت‌ها و کنترل‌های ویژه بر بانک‌ها، آنها را از اقدامات خودسرانه و سودمدارانه مضر برای نظام مالی، بازدارند. از سویی دیگر، بانک‌های مرکزی، می‌توانند با جذب به‌هنگام و کافی نقدینگی، از وارد آمدن اثرات تورمی بر جامعه و شهروندان بکاهدند و اثرات منفی ناشی از افزایش نقدینگی را به حداقل برسانند. شبیه این نقش‌آفرینی را در سال ۲۰۰۶ و در اقدام هماهنگ هفت بانک مرکزی بزرگ دنیا در راستای پایین آوردن نرخ بهره وام‌های بانکی و تسهیل شرایط بازپرداخت وام، مشاهده کنیم.

پرواضح است که مقابله با بحران‌های مالی (از جمله ناتوانی مشتریان بانک‌ها در بازپرداخت وام‌هایشان) فقط از عهده بانک‌های مرکزی برمی‌آید و لذا بانک‌ها و موسسات مالی به‌تنهایی - حتی در صورت تمایل برای حل این نوع مشکلات - قادر به انجام کاری برای کمک به وام‌گیرندگان نیستند.

اما در صورتی که بانک‌های مرکزی از انجام این وظیفه خطیر، سر باز زنند یا این که توانایی کافی برای انجام آن را نداشته باشند، وقوع بحران‌های اقتصادی و اجتماعی دور از انتظار نخواهد بود، زیرا در این حالت نه وام‌دهندگان (بانک‌ها) خود را مسوول حل مشکلات مالی و اعتباری به‌وجود آمده می‌دانند و نه وام‌گیرندگان (عموم مردم و شرکت‌ها).

دوران پرچالش

در حالی که دولتمردان و مقامات بانک‌های مرکزی جهان می‌کوشند تا با فراهم آوردن سرمایه‌های کافی و مطمئن، در جهت تثبیت بازارهای مالی گام بردارند، بایستی از این واقعیت غیرقابل انکار، آگاهی کامل داشته باشند که هرگونه تساهل و تسامح در حوزه کنترل و نظارت بر بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری می‌تواند به پیامدهای وخیم و غیرقابل‌تصور در سطح اقتصاد و جامعه بینجامد و ورشکستگی مالی بسیاری از شهروندان را به دنبال داشته باشد.

یکی از راه‌های اصلی برای برون‌رفت از بن‌بست کنونی، وضع قوانین و مقررات جدیدی است که بانک‌ها را ملزم به رعایت یکسری اصول و چارچوب‌ها نماید و در عین حال، از میزان آسیب‌پذیری وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان بکاهد. تفکیک وام‌های "خوب" از وام‌های "بد"، یکی از پیش‌شرط‌های اصلی برای موفقیت برنامه‌های بانک‌های مرکزی در تنظیم و کنترل بازارهای مالی و بانکی به حساب می‌آید.

■ ■ ■
بانک‌های مرکزی، تنها نهادهایی هستند که قادرند ضمن تحمیل نظارت‌ها و کنترل‌های ویژه بر بانک‌ها، آنها را از اقدامات خودسرانه و سودمدارانه مضر برای نظام مالی، بازدارند.
■ ■ ■

بانک و اقتصاد

ماهنامه بانکی - اقتصادی

خواننده ارجمند

مجله بانک و اقتصاد برای شما تهیه می‌شود و از آن شما است.

بنابراین:

- ۱) مطالب خودتان را برای درج در نشریه ارسال فرمایید.
- ۲) ما را از پیشنهادهای و نظریات خود بهره‌مند کنید.
- ۳) برای پیام‌های تبلیغاتی خود از امکانات ما بهره بگیرید.

نشانی: تهران / خیابان حجاب / کوچه سوم / شماره ۱۳ / صندوق پستی: تهران ۵۵۴۸-۱۴۱۵۵ / تلفن و نامبر: ۸۸۹۵۱۳۲۹